بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[شبهه آیه نفی اکراه 1](#_Toc427995946)

[مرور بحث سابق 1](#_Toc427995947)

[بررسی سایر احتمالات 1](#_Toc427995948)

[اتخاذ مبنا 2](#_Toc427995949)

[احتمال اعتقادات قلبی 2](#_Toc427995950)

[اوصاف انسان 2](#_Toc427995951)

[احتمال دوازدهم 2](#_Toc427995952)

# شبهه آیه نفی اکراه

# مرور بحث سابق

در بحث گذشته به شبهه موجود در آیه نفی اکراه پرداخته شد که در میان این آیه شریفه و روایت باب ارتداد نوعی تعارض وجود داشت. نزدیک به هشت احتمال دراین‌باره داده شد و هریک از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

## بررسی سایر احتمالات

احتمال دیگری که در اینجا وجود دارد این است که این آیه همانند حدیث نفی ضرر است یعنی چنین حکمی در شریعت قرار داده نشده است. یعنی اگر احکام اکراهی در دین قرار داده نشده است که این احتمال نیز خلاف آیه شریفه است.

یکی از احتمالات که در این باب وجود دارد این است که خداوند در اعتقادات قلبی اکراهی قرار داده نداده است. فرد درزمینه عقاید خود آزاد و مختار است؛

**«إِنَّا هَدَیناهُ السَّبِیلَ إِمَّا شاکراً وَ إِمَّا کفُوراً»[[1]](#footnote-1)**

## اتخاذ مبنا

این احتمالی است که نمی‌توان گفت از مدلول آیه خارج است اما با توجه به شأن نزول‌های آیه به آن اختصاص ندارد.

## احتمال اعتقادات قلبی

احتمال دیگری که علامه آن را نقل کرده و تقویت نموده‌اند، این است که اکراه بشری بوده و مراد از دین نیز اعتقادات قلبی است. یعنی درواقع، ایمان و محبت افراد با اکراه و زور به چیزی متمایل نمی‌شود، دین نیز از همین مقوله امور درونی است که از طریق اکراه نمی‌شود در فردی به وجود آورد لذا در دین و اعتقادات توحیدی جای اکراهی تصور نمی‌شود.

## اوصاف انسان

از جهتی می‌توان گفت اوصاف انسان به دنبال سه عامل شکل می‌گیرد؛ عوامل طبیعی، معرفت و علم و رفتارهای انسان. برخلاف عامل اول، دو عامل دیگر در اختیار انسان است. در برخی از آیات احکام بدیهی ذکر می‌شود همانند آیه شریفه؛

**«هَلْ یسْتَوِی الَّذِینَ یعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یعْلَمُون»[[2]](#footnote-2)**

ذکر این امور بدیهی برای رسیدن به امری دیگر مانعی ندارد.

## احتمال دوازدهم

احتمال دوازدهمی که می‌تواند در اینجا مطرح شود این است که بین دو احتمال قبل جمع شود یعنی نه در میان بشر و نه در افعال حق‌تعالی اجباری وجود ندارد. و مقصود از اکراه در اینجا تلاش بیش‌ازحد متعارف برای تغییر دیگران است.

همان‌طور که قرآن خطاب به نبی اکرم (ص) می‌فرماید؛

**«ما أَنْزَلْنا عَلَیک الْقُرْآنَ لِتَشْقی»[[3]](#footnote-3)**

**«أَ فَأَنْتَ تُکرِهُ النَّاسَ حَتَّی یکونُوا مُؤْمِنِینَ»[[4]](#footnote-4)**

یا آیات شریفه دیگری که در این وزان و سیاق وجود دارد. بنابراین برای راهنمایی فرد نمی‌توان به‌زور متکی شد، چراکه هدایت و هدایت فکری فرد امری نیست که با اکراه سازگاری داشته باشد بلکه باید به فرهنگ‌سازی و تبلیغ حاصل شود.

1. **- 3/انسان.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- 9/زمر.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- 2/طه.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- 99/یونس.** [↑](#footnote-ref-4)